



A Criminological Analysis of Terrorism Financing in the Criminal Policy of Iran and the European Union

Hashem Emami¹

[Received: 2026/03/08 Accepted: 2026/07/20]

 [10.22034/qacr.2026.2089058.1218](https://doi.org/10.22034/qacr.2026.2089058.1218)

Abstract

The financing of terrorism is one of the most significant forms of support for organized and violence-oriented crime, which has become increasingly complex in the context of economic, financial, and technological developments. From a criminological perspective, understanding the mechanisms underlying the formation, continuity, and expansion of this phenomenon, as well as the legislative and institutional responses to it, is essential for designing an effective criminal policy. The aim of this study is to conduct a comparative criminological analysis of terrorism financing in the legal systems of Iran and the European Union, and to identify the strengths and shortcomings of each in the prevention and control of this phenomenon. This research has been conducted using a descriptive-analytical method. The findings of the study indicate that the European Union, by adopting a multilayered and prevention-oriented approach based on financial supervision, institutional transparency, asset freezing, and cross-border cooperation, has established a relatively coherent mechanism for controlling the financing of terrorism. In contrast, despite the enactment of relevant legislation, Iran's legal system continues to face several challenges, including ambiguity in legal concepts, the absence of a clear definition and list of terrorist groups, weak institutional coordination, and the relative inefficiency of financial oversight. The results further demonstrate that enhancing conceptual transparency, developing risk-based supervision, strengthening the role of the Financial Intelligence Unit, and drawing upon the experience of the European Union could contribute to improving Iran's criminal policy and increasing the effectiveness of its system for combating the financing of terrorism.

Keyword: Financing of terrorism, criminalization, European Union law, Iranian criminal law, Financial Action Task Force (FATF).

Citation: Emami, E. (2026). A Criminological Analysis of Terrorism Financing in the Criminal Policy of Iran and the European Union. *Applied criminology research*, 4(11), 75-92.

https://www.qacr.ir/article_736590.html?lang=en

1. PhD in Criminal Law and Criminology, Lecturer at the Department of Law, Shahriar Branch, Islamic Azad University, Shahriar, Iran. Email: hashem.emami@iau.ac.ir



تحلیل جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم در سیاست جنایی ایران و اتحادیه اروپا

هاشم امامی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹]

doi 10.22034/qacr.2026.2089058.1218

چکیده

تأمین مالی تروریسم یکی از مهم‌ترین اشکال حمایت از بزهکاری سازمان‌یافته و خشونت‌محور است که در بستر تحولات اقتصادی، مالی و فناوریانه، پیچیدگی روزافزونی یافته است. از منظر جرم‌شناختی، شناخت سازوکارهای شکل‌گیری، تداوم و گسترش این پدیده و نیز واکنش‌های تقنینی و نهادی در برابر آن، برای طراحی سیاست جنایی کارآمد ضروری است. هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم در حقوق ایران و اتحادیه اروپا و شناسایی ظرفیت‌ها و کاستی‌های هر یک در پیشگیری و مقابله با این پدیده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا با اتخاذ رویکردی چندلایه و مبتنی بر پیشگیری، نظارت مالی، شفافیت نهادی، مسدودسازی دارایی‌ها و همکاری فرامرزی، سازوکار نسبتاً منسجمی برای کنترل تأمین مالی تروریسم ایجاد کرده است. در مقابل، نظام حقوقی ایران با وجود تصویب قوانین مرتبط، همچنان با چالش‌هایی مانند ابهام در مفاهیم قانونی، نبود تعریف و فهرست شفاف از گروه‌های تروریستی، ضعف هماهنگی نهادی و ناکارآمدی نسبی نظارت مالی مواجه است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تقویت شفافیت مفهومی، توسعه نظارت ریسک‌محور، ارتقای نقش واحد اطلاعات مالی و بهره‌گیری از تجربه اتحادیه اروپا می‌تواند به بهبود سیاست جنایی و کارآمدی نظام مقابله با تأمین مالی تروریسم در ایران منجر شود.

کلیدواژه‌ها: تأمین مالی تروریسم، جرم‌انگاری، حقوق اتحادیه اروپا، حقوق کیفری ایران، گروه ویژه اقدام مالی.

استناددهی: امامی، هاشم. (۱۴۰۵). تحلیل جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم در سیاست جنایی ایران و اتحادیه اروپا. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۴(۱۱)، ۷۵-۹۲.

https://www.qacr.ir/article_736590.html

۱. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و مدرس گروه حقوق، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران.

رایانامه: hashem.emami@iau.ac.ir

مقدمه

تأمین مالی تروریسم یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی، اجتماعی و جرم‌شناختی جهان معاصر است. پدیده‌ای که به دلیل ماهیت سازمان‌یافته، فراملی و پنهان خود، تنها از منظر حقوق کیفری قابل تحلیل نیست، بلکه نیازمند بررسی علل، زمینه‌ها و سازوکارهای تداوم آن در قالب مطالعات جرم‌شناختی است.

واقعیت آن است که یکی از مهم‌ترین دلایل تقویت جریان‌های تروریستی در جهان، تداوم تأمین منابع مالی مورد نیاز آن‌ها از طرق مختلف است. در واقع، تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف تروریستی خود نیازمند تأمین مالی هستند و برای تأمین این نیاز حیاتی خود به راه‌های گوناگونی متوسل می‌شوند. لذا، به منظور مبارزه با تروریسم، یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین راه‌ها، مبارزه با تأمین مالی آن است (چاووشی و کرامتی معز، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵). شناخت این امر که تروریسم تهدیدی علیه امنیت و نظم اجتماع است و کمک به تأمین از قبیل عضویت در آن و یا تأمین مالی می‌تواند به تقویت بنیان این گروه‌ها منجر گردد و از این طریق، قابلیت این گروه‌ها در انجام عملیاتهای تروریستی افزایش می‌یابد (Pol, 2020, P. 7) البته، جرم تأمین مالی تروریسم بدون هیچ نشانه‌ای اعم صدا، تخریب، کشتار و غیره بوده و تنها زمینه‌ساز اقدامات تروریستی است (Koker & Jentzsch, 2013, P. 9). اتحادیه اروپا به عنوان یکی از پیشروترین نظام‌های حقوقی در حوزه مقابله با جرائم سازمان‌یافته و تروریسم، چارچوبی منسجم و چندلایه برای جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم ارائه کرده است. این چارچوب بر مبنای اسناد الزام‌آور، از جمله مقررات مسدودسازی دارایی‌ها، دستورالعمل‌های مبارزه با پول‌شویی و قواعد نظارتی ویژه برای نهادهای مالی طراحی شده است. ویژگی بارز این رویکرد، هماهنگی میان سیاست‌های امنیتی، مالی و کیفری و تلاش برای ایجاد استانداردهای یکسان میان دولت‌های عضو است؛ امری که آن را به الگویی قابل توجه برای مطالعه تطبیقی تبدیل می‌کند.

در عین حال، در عصر دیجیتال، ظهور ارزهای مجازی به‌ویژه از نوع غیرمتمرکز، چالش‌های جدیدی را در حوزه مالی و حقوقی ایجاد کرده است؛ به‌خصوص در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم. (رشیدی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۸). این امر ضرورت بازبینی در الگوهای جرم‌انگاری و مقابله با تأمین مالی تروریسم را افزایش می‌دهد. بر این مبناء، حقوق کیفری ایران نیز طی سال‌های اخیر، مسیر تحول قابل‌توجهی را در جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم طی کرده است. از تصویب قانون «مقابله با تأمین مالی تروریسم» در سال ۱۳۸۷ تا اصلاحات و الحاقات بعدی، قانون‌گذار کوشیده است مقررات داخلی را با اسناد بین‌المللی و نیازهای عملی مقابله با تروریسم هماهنگ سازد. با این حال، پرسش‌هایی درباره گستره شمول





جرم، میزان مطابقت با استانداردهای جهانی و کارآمدی ابزارهای اجرایی همچنان باقی است. از این رو، بررسی تطبیقی الگوهای اتخاذشده در اتحادیه اروپا و ایران می تواند راهگشای اصلاح و تقویت نظام حقوقی کشور در برابر چالش های فزاینده تأمین مالی تروریسم باشد.

۱. اهمیت مقابله با تأمین مالی تروریسم

بررسی تأمین مالی تروریسم از منظر جرم شناسی، مستلزم توجه به نقش منابع مالی در شکل گیری، تداوم و گسترش شبکه های تروریستی است. این پدیده تنها یک رفتار مالی غیرقانونی نیست، بلکه بخشی از فرایند سازمان یابی و استمرار جرائم خشونت آمیز و فراملی محسوب می شود.

تأمین مالی تروریسم، به مجموعه اعمالی اطلاق می شود که با ارائه یا جمع آوری مبالغ به هر نحو و با هر توجیهی از جمله پرداخت جزیه، مالیات، خرید و فروش مواد مخدر، قاچاق انسان و سایر تجارت های سیاه انجام می شود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم و برخلاف قانون و به عمد و با وجود قصد به شکل های گوناگونی همچون پول نقد، ارائه اموال منقول و غیرمنقول، حواله ها و ابزار الکترونیک در اختیار این گروه ها قرار می گیرد. (وزیری و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۷). در سال های اخیر، مفهوم تأمین مالی تروریسم به یکی از کلیدی ترین مباحث در حوزه حقوق کیفری بین الملل و سیاست گذاری امنیتی تبدیل شده است. این مفهوم نه تنها به انتقال مستقیم وجوه برای انجام اقدامات خشونت آمیز اشاره دارد، بلکه طیف گسترده ای از فعالیت ها از جمله جمع آوری، نگهداری، انتقال، تسهیل گری و حتی فراهم سازی هر نوع منبع مالی یا اقتصادی برای گروه ها یا اشخاص تروریستی را دربرمی گیرد. از آنجا که هر اقدام تروریستی مستلزم صرف هزینه است، در نتیجه پول را باید به مثابه خونی دانست که در رگهای سازمان های تروریستی جریان دارد؛ به گونه ای که بدون آن، این سازمانها قادر به ادامه حیات یا انجام فعالیتهای خود نخواهند بود. (کارگری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵-۱۱۶). گروه های تروریستی از شیوه های مختلفی اقدام به تأمین مالی می نمایند و از جمله این شیوه ها می توان به پولشویی اشاره نمود (آیدین مهر و محمدزاده، ۱۴۰۴، ۵۲). لذا، جامعه بین المللی دریافت تا زمانی که منابع مالی تروریسم خشکانده نشود، تروریسم سرکوب نخواهد شد. (الهویی نظری و جلالی، ۱۳۹۶، ص ۷۲۶). مبارزه با تأمین مالی تروریسم از آن جهت به بحثی ویژه تبدیل گردیده که در آن واحد، موضوعی اقتصادی، حقوقی، دیپلماتیک و پلیسی است (Amicelle, 2008, P:169). با در نظر داشتن اینکه اعمال تروریستی به عنوان یکی از جرائم علیه امنیت در کشورها عملی مجرمانه است، تعقیب کیفری هرگونه اقدامی که به منظور تسهیل این جرائم انجام شود، از جمله تأمین مالی آن، تحت عنوان معاونت در جرم امکان پذیر



بود؛ اما در حال حاضر، تأمین مالی تروریسم خود تحت عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری گردیده است. (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۲۶). از منظر جرم‌شناسی، شناخت شیوه‌های تأمین، انتقال و پنهان‌سازی منابع مالی، نقش مهمی در تحلیل بسترهای تداوم فعالیت‌های تروریستی و طراحی راهبردهای پیشگیرانه دارد. بر این اساس، فهم دقیق مفهوم تأمین مالی تروریسم، افزون بر تبیین عناصر قانونی آن، زمینه لازم را برای ارزیابی کارآمدی نظام‌های حقوقی در کنترل شبکه‌های مالی پنهان، کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و مقایسه الگوهای مقابله در حقوق ایران و اتحادیه اروپا فراهم می‌سازد.

۲. سیر تحول جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی

جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم در سطح بین‌المللی، مسیری تدریجی و متأثر از تحول در ماهیت جرائم تروریستی و شیوه‌های پشتیبانی از آن‌ها داشته است. از منظر جرم‌شناختی، توجه به منابع مالی تروریسم نشان می‌دهد که مقابله با این پدیده تنها در مرحله وقوع عملیات تروریستی کافی نیست، بلکه باید فرایندهای پیشینی شکل‌گیری، سازمان‌دهی، تجهیز و تداوم شبکه‌های تروریستی نیز کنترل شود. نخستین تلاش‌های بین‌المللی در دهه‌های پایانی قرن بیستم عمدتاً در قالب کنوانسیون‌های مبارزه با اعمال تروریستی و بدون تمرکز مستقل بر منابع مالی شکل گرفت، اما گسترش حملات تروریستی و آشکارشدن نقش شبکه‌های مالی پنهان در تقویت ظرفیت عملیاتی این گروه‌ها، جامعه بین‌المللی را به سمت تدوین مقررات مستقل و صریح در زمینه مقابله با تأمین مالی تروریسم سوق داد.

حقوق بین‌الملل در این خصوص، استانداردها و چارچوب‌هایی را در مقابله کیفری با تأمین مالی تروریسم ارائه داده است که می‌تواند برای دولتها در تدوین قوانین راهگشا بوده و ضمن تاثیرگذاری، از اعمال سلیقه در این خصوص جلوگیری نماید (Omenmma & Onyango, 2020, P. 7). نقطه عطف این تحول، تصویب «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم» در سال ۱۹۹۹ بود که برای نخستین بار، ارائه یا جمع‌آوری عمدی وجوه برای اقدامات تروریستی را به‌عنوان جرم مستقل تعریف کرد. این کنوانسیون کشورهای عضو را موظف کرد دامنه وسیعی از رفتارهای مرتبط با تأمین مالی را جرم‌انگاری کنند، مکانیسم‌های مسدودسازی دارایی‌ها را به‌کارگیرند و همکاری‌های قضایی و پلیسی را تقویت نمایند. پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت سازمان ملل نیز با صدور قطعنامه‌های الزام‌آور به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳، دولت‌ها را مکلف کرد نظام‌های حقوقی خود را در جهت مسدودسازی سریع دارایی‌های تروریستی، ایجاد سازوکارهای گزارش‌دهی و افزایش شفافیت مالی بازنگری کنند. این اسناد نقش مهمی در نهادینه‌سازی استانداردهای جهانی ایفا کردند.



تصویب قطعنامه‌های تاریخی مانند ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) و ۲۴۶۲ (۲۰۱۹) نقطه عطفی در این تحول محسوب می‌شود که شورای امنیت را از نهادی اجرایی به قانون‌گذار جهانی تبدیل کرده است. همچنین، همکاری شورای امنیت با نهادهای تخصصی مانند گروه ویژه اقدام مالی و اینترپل، رویکردی چندبُعدی در مبارزه با این پدیده ایجاد کرده است (میرزا رسول‌زاده، ۱۴۰۴، ص ۱۰۱). مشارکت در جرم تأمین مالی تروریسم در پاراگراف (الف) بند (۴) ماده (۲) کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم قابل استنباط است. بر این اساس، کسی که در ارتکاب اعمال مندرج در بندهای (۱) و (۴) ماده (۲) کنوانسیون مذکور شریک باشد نیز دارای مسئولیت کیفری مشابه مباشر جرم می‌باشد. همچنین، اگر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی به سازماندهی یا هدایت اعمال مجرمانه مندرج در بندهای (۱) و (۴) ماده (۲) کنوانسیون اقدام نماید، بعنوان مباشر جرم تأمین مالی تروریسم قابل تعقیب و مجازات است. عنصر معنوی جرم شامل آگاهی از اینکه فرد حمایت مالی یا مشارکت مالی را برای اعمال تروریستی، گروه‌های تروریستی یا اشخاص تروریست انجام می‌دهد نیز در شکل‌گیری مسئولیت کیفری شخص مؤثر است. این امر هم در بند (۱) و هم در پاراگراف (پ) بند (۴) ماده (۲) کنوانسیون ذکر شده است.

در حقیقت، عنصر معنوی جرم تأمین مالی تروریسم، دو جنبه دارد: جنبه اول شامل عمد و اراده مرتکب بر وقوع فعل و جنبه دوم، قصد مرتکب بر صرف وجوه، جهت انجام اعمال تروریستی یا علم وی به اینکه وجوه یادشده صرف چنان اهدافی خواهد شد. در جنبه دوم عنصر معنوی، قصد و علم جایگزین یکدیگرند (طیبی فرد، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶). همچنین، قاعده سنتی استرداد یا محاکمه، با تأکید بر ماهیت بین‌المللی جرم، خواستار مجازات مرتکبان این جرائم از سوی جامعه بین‌المللی، صرف‌نظر از محل وقوع جرم یا محل دستگیری متهم می‌باشد. (اردبیلی و میرفلاح نصیری، ۱۳۹۶، ص ۸-۹). در ماده (۱۸) کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم، بر این امر تأکید شده که به منظور پیشگیری از تأمین مالی تروریسم، دولتها باید اقدامات تقنینی را اتخاذ نمایند. این اقدامات باید از انجام فعالیت‌های غیرقانونی مندرج در ماده (۲) افراد و سازمانها در داخل قلمروهایشان جلوگیری نماید.

یکی از مهم‌ترین اقدامات مهم جامعه بین‌المللی در مبارزه با تأمین مالی تروریسم، تشکیل گروه اقدام ویژه مالی است (میدانی و زمانی، ۱۴۰۴، ص ۱۱). گروه ویژه اقدام مالی^۱ در حال حاضر، فعال‌ترین و پویاترین نهاد در جهت استانداردسازی و ایجاد روش‌های جدید برای انسداد راه‌های پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است. از مهم‌ترین اقدامات این نهاد، آماده‌سازی و ارائه توصیه‌های چهل‌گانه است که کشورها باید در نظام مالی خود آنها را رعایت



کنند تا راه هرگونه سوءاستفاده از سیستم مالی و بانکی آن کشور مسدود شود. برخی از این توصیه‌ها دارای سابقه در قطعنامه‌های شورای امنیت یا کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بوده و برخی نیز جدید هستند. هرچند توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی غیرالزام‌آور و جزو حقوق نرم محسوب می‌شوند، اما عدم رعایت آنها از سوی دولت‌ها موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به سیستم مالی آن دولت خواهد شد. (کدخدایی و فامیل زوار جلالی، ۱۴۰۴، ص ۲). توصیه‌های FATF به‌ویژه بر شناسایی مشتری، گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک، کنترل نقل و انتقالات برون مرزی و نظارت بر مؤسسات غیرمالی تأکید دارد. این الزامات، به تدریج به بخشی از معیارهای ارزیابی نظام‌های مالی و بانکی کشورها تبدیل شده و تأثیر قابل توجهی بر قوانین داخلی گذاشته است. از منظر جرم‌شناختی، اهمیت این استانداردها در آن است که با افزایش شفافیت مالی، کنترل جریان‌های مشکوک و محدودسازی امکان سوءاستفاده از نهادهای رسمی و غیررسمی، فرصت‌های ارتکاب و تداوم جرم را کاهش می‌دهند؛ بنابراین، سیر تحول بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم نشان می‌دهد که این پدیده به حوزه‌ای چندبعدی تبدیل شده که در آن، ابزارهای کیفری، مالی، نظارتی و پیشگیرانه در کنار یکدیگر برای کنترل شبکه‌های تروریستی به کار گرفته می‌شوند.

۳. چالش‌های جرم‌شناختی و اجرایی مقابله با تأمین مالی تروریسم

یکی از مهم‌ترین چالش‌های جرم‌شناختی و اجرایی در مقابله با تأمین مالی تروریسم، پیچیدگی و تنوع روش‌های تأمین مالی و پنهان‌سازی منابع آن است. از منظر جرم‌شناختی، تأمین مالی تروریسم بخشی از فرایند تداوم، سازمان‌دهی و بازتولید شبکه‌های تروریستی محسوب می‌شود. شبکه‌های تروریستی امروزی از سازوکارهای مالی غیررسمی، تراکنش‌های کوچک و پراکنده، ارزهای دیجیتال، خیریه‌های صوری و کسب‌وکارهای پوششی استفاده می‌کنند تا منابع مالی خود را پنهان یا مشروع جلوه دهند. این تنوع روش‌ها باعث می‌شود شناسایی الگوهای خطر، تشخیص عملیات مشکوک و کنترل فرصت‌های ارتکاب جرم برای نهادهای مالی و نظارتی دشوار گردد. از این رو، اجرای مؤثر قوانین کیفری در این حوزه، مستلزم بهره‌گیری از ابزارهای نظارتی پیشرفته، تحلیل داده‌های مالی، همکاری گسترده میان بخش‌های مالی، امنیتی و قضایی و توجه به تدابیر پیشگیرانه است.

گروه‌های تروریستی امروزه، بیشتر منابع مالی خود را از سرزمین‌های تحت اشغال، تجارت و ارتکاب جرائم سازمان‌یافته به دست می‌آورند. به عبارتی، می‌توان گفت امروزه، جهان با اقتصاد تروریسم مواجه است. بر این اساس، برای طراحی نظام کارآمد مقابله با تأمین مالی تروریسم، باید علاوه بر استفاده از تدابیر مقابله با پول‌شویی، به تدابیر توصیه‌شده در اسناد



مربوط به جنایات سازمان یافته نیز توجه کرد (شمس ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۷). جرایم سازمان یافته معمولاً شامل فعالیت های غیرقانونی مانند سرقت های مسلحانه یا واردات و خرید و فروش مواد مخدر برای منافع مالی توسط گروهی از عوامل، در یک دوره زمانی قابل توجه است. البته در بیان ماهیت این جرم باید گفت که جرایم سازمان یافته غارت های کم و بیش خودجوش و کوتاه مدت را در جریان شورش در خصوص افرادی که همدیگر را نمی شناسند مستثنی می کند و حتی ممکن است یک عمل مجرمانه هماهنگ شده - مثلاً سرقت از بانک - را که به طور مشترک توسط افرادی انجام می شود که همدیگر را می شناسند اما دیگر هرگز با هم همکاری نخواهند کرد را منتفی کند (Albanese & Reichel, 2014, P. 2). تجربه دهه ها مبارزه سستی با جرائم سازمان یافته نشان داده که دستگیری و محکومیت اعضای میانی و پایینی شبکه، هرچند ضروری است، اما به ندرت به فروپاشی ساختار قدرت سازمان های مجرمانه منجر می شود. در مقابل، استراتژی «تعقیب پول» که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به عنوان رویکردی مکمل و در مواردی جایگزین در دستور کار نهادهای بین المللی قرار گرفته است، مزایای راهبردی قابل توجهی دارد.

چالش مهم دیگر، ابهام در تعریف تروریسم و مصادیق گروه های تروریستی است که اجرای قوانین را در سطح ملی و بین المللی با دشواری روبه رو می کند. بسیاری از کشورها فهرست واحد و مورد توافقی از گروه های تروریستی ندارند و اختلاف دیدگاه ها درباره ماهیت یا اهداف برخی گروه ها، همکاری های قضایی و پلیسی را مختل می کند. این ناهمسانی ممکن است منجر به تعارض در تصمیم گیری های قضایی، مشکلات استرداد متهمان و دشواری در مسدودسازی اموال شود. از سوی دیگر، برخی رفتارها ممکن است مرز مبهمی میان فعالیت های مشروع، مانند حمایت های بشردوستانه یا سیاسی و تأمین مالی گروه های تروریستی داشته باشد که همین امر حساسیت و دشواری اجرای قانون را افزایش می دهد.

نتایج یک تحقیق حاکی از آن است که دولت ها به دلایل سیاسی، ایدئولوژیک و به خصوص، موانع حاکمیتی، برخورد متفاوتی با موضوع پیشگیری از پولشویی و تأمین مالی تروریسم دارند. این دلایل ریشه در تفسیر دولت ها از اهداف و اصول اف. ای. تی. اف نیز دارد (سلطانی، ۱۳۹۹، ص ۹۷). پیرامون پولشویی ولبرگ در تحلیل تطبیقی خود از نظام های حقوقی اروپا تأکید می کند، عنصر مادی پولشویی باید چنان تعریف شود که هم بتواند انواع نوظهور و پیچیده رفتارهای تطهیر پول را پوشش دهد و هم از به دام افتادن فعالان اقتصادی قانون مند و مبادلات تجاری عادی جلوگیری نماید. این توازن ظریف، یکی از دشوارترین چالش های پیش روی قانونگذاران در سراسر جهان است (Volberg, 2014, P. 158). پیرامون این امر اگرچه قانون ایران از نظر جامعیت پوشش مراحل سه گانه پولشویی قابل دفاع است، اما برای

جلوگیری از تفسیرهای موسع و تصمیمات قضایی ناهماهنگ، بازنگری در تعریف دقیق مفاهیم کلیدی و ارائه شاخص‌های عینی و روشن برای تشخیص رفتارهای مجرمانه از معاملات مشروع، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد.

یک خط فکری بر این باور است که گزارش فعالیت‌های مشکوک که مبنای چارچوب مبارزه با پولشویی در سراسر جهان محسوب می‌شوند، بر پایه‌ی معیارهای سست سوءظن استوارند. در واقع، چیزی که تصمیمی ساده به نظر می‌رسد، در حقیقت فرایندی پیچیده است، فرایندی که در گذشته توسط نهادهای عمومی همچون دادستان‌ها و دادگاه‌ها انجام می‌شد و اکنون به متخصصان مالی واگذار شده است. برای انجام این وظیفه، متخصصان مالی باید بتوانند با استفاده از یک چارچوب ارزیابی ریسک رویه‌محور، رفتار مشکوک را در میان تراکشن‌های مالی پیچیده تشخیص دهند. این کار هنگام یافتن یک مورد خاص از پولشویی با طیف گسترده‌ای از محدودیت‌های اخلاقی، تجربی و عملی روبه‌رو می‌شود و زمانی که مشتری مورد ارزیابی هیچ سابقه‌ای مرتبط با جرم مقدماتی شناخته‌شده ندارد، حتی پیچیده‌تر نیز می‌شود (Naheem, 2019, P. 725). تردیدی نیست که پولشویی زمینه ساز گسترش فعالیت‌های مجرمانه همچون قاچاق انسان، مواد مخدر و تروریسم می‌شود. گروه‌های تبهکار با پولشویی می‌توانند درآمدهای حاصل از این جرایم را وارد چرخه اقتصادی کنند و از آن برای تأمین مالی فعالیت‌های خود به کار گیرند و این امر تهدیدی جدی برای امنیت ملی و بین المللی محسوب می‌شود (حیدری، ۱۳۹۷، ۷۸). در نهایت، محدودیت‌های نهادی و ضعف سازوکارهای نظارتی و هماهنگی بین‌بخشی نیز از چالش‌های جدی اجرای مؤثر جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، نهادهای مالی، دستگاه‌های نظارتی، پلیس تخصصی، واحدهای اطلاعات مالی و دستگاه قضایی به‌طور کامل یکپارچه عمل نمی‌کنند و تبادل اطلاعات میان آنها با تأخیر یا نقص همراه است. این وضعیت موجب کاهش کارآمدی در ردگیری جریان‌های مالی، تحلیل تراکشن‌های مشکوک و اجرای احکام قضایی می‌شود. کمبود نیروی متخصص، ضعف فناوری‌های تحلیلی و عدم دسترسی به داده‌های جامع نیز از دیگر موانعی است که مانع تحقق کامل اهداف جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم می‌شود.

۴. الگوی سیاست جنایی ایران در مقابله با تأمین مالی تروریسم

نظام حقوقی ایران در سال‌های اخیر برای مقابله با تأمین مالی تروریسم، با تصویب قوانین اختصاصی و اصلاح مقررات پیشین، تلاش کرده است چارچوبی منسجم در حوزه سیاست جنایی ایجاد کند. نقطه آغاز این مسیر، تصویب «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» در سال ۱۳۹۴ بود که برای نخستین بار این رفتار را به عنوان جرم مستقل تعریف و عناصر آن را





مشخص کرد. قانون‌گذار در این قانون، هرگونه جمع‌آوری، تامین، انتقال و تجهیز منابع مالی با قصد ارتکاب اعمال تروریستی یا حمایت از گروه‌های تروریستی را مشمول جرم دانسته و دامنه رفتارهای قابل تعقیب را گسترده طراحی کرده است. این مقررات علاوه بر ایجاد ضمانت اجرای کیفری، با هدف کنترل جریان‌های مالی مشکوک و محدودسازی ظرفیت عملیاتی شبکه‌های تروریستی تدوین شده و تلاش دارد فاصله میان نظام داخلی و استانداردهای بین‌المللی را کاهش دهد.

در تعیین این مصادیق لازم است تا عملکرد نهضت‌های آزادی‌بخش مد نظر قرار گیرد. همانگونه که بیان شد، امروزه، سازمانها و مبارزاتی رهایی‌بخش در نظر گرفته می‌شوند که مورد شناسایی سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته باشند؛ در غیر اینصورت، تمامی اعمال و فعالیت‌های آنان که علیه دولت مرکزی ارتکاب می‌یابد، جرم و در صورت تحقق دیگر شرایط، تروریستی در نظر گرفته خواهد شد (عبداللهی، ۱۳۸۸، ص ۶۱).

در قانون اساسی ایران نیز حمایت از مردم مسلمانی که برای رهایی از ستم مبارزه می‌کنند، به عنوان یک تکلیف اشاره شده و در مقدمه مقرر گردیده است «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذ امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

مقابله با تأمین مالی تروریسم بخشی از تلاش جامع‌تری است که در جامعه جهانی برای مقابله با تروریسم صورت می‌پذیرد. بر این اساس، جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم در ایران بدون ایجاد سازوکارهای دیگر حقوقی مقابله با تروریسم، راه‌حل مناسبی برای مقابله با این پدیده نیست (شمس ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۷).

بیکر استدلال می‌کند که سیستم پول‌های کثیف متشکل از بهشت‌های مالیاتی، شرکت‌های صوری، تراست‌های ناشناس و حلقه‌های مفقوده در قوانین، نه تنها به قاچاقچیان مواد مخدر و گروه‌های تروریستی کمک می‌کند، بلکه تخمین زده می‌شود سالانه میلیاردها دلار را به طور غیرقانونی از اقتصادهای در حال توسعه و در حال گذار به کشورهای غربی منتقل می‌سازد و این امر «کشورهای فقیر را بیشتر تضعیف کرده و به جرم، تروریسم، بی‌ثباتی و محرومیت برای میلیاردها نفر دامن می‌زند» (Baker, 2005, P. 2). بر مبنای نظریه دفاع از سلامت اقتصادی دولت با جرم‌انگاری این پدیده، در راستای ایفای نقش حاکمیتی خود برای تأمین سلامت



اقتصادی عمومی اقدام می‌نماید. این مبنا، توجیه‌گر مداخله کیفری در حوزه اقتصاد برای جلوگیری از بروز پیامدهای منفی ناشی از پولشویی است (Kyomugisha, 2025, P. 4). ویژگی مهم الگوی ایران، تکیه بر عناصر عامدانه و آگاهی مرتکب است؛ بدین معنا که برای تحقق جرم، وجود قصد یا علم به اینکه منابع در اختیار شخص یا گروه تروریستی قرار خواهد گرفت، ضروری است. علاوه بر این، قانون‌گذار ایرانی تمرکز ویژه‌ای بر مسدودسازی اموال و رهگیری جریان‌های مالی مشکوک داشته و سازوکارهای خاصی را برای همکاری میان نهادهای اطلاعاتی، بانک‌ها و واحد اطلاعات مالی^۱ پیش‌بینی کرده است. همچنین، مقررات این قانون به‌گونه‌ای تنظیم شده که حتی اگر عملیات تروریستی در نهایت واقع نشود، صرف فراهم‌سازی منابع مالی با قصد ارتکاب آن قابل مجازات است. این رویکرد، قانون ایران را به سمت جرم‌انگاری پیشگیرانه سوق داده است.

مقابله با تأمین مالی تروریسم به دو شیوه کنشی و واکنشی قابل انجام است. در شیوه کنشی، تدابیر و اقدامات پیشگیرانه، محور سیاست جنایی قرار می‌گیرد و در مقام واکنش، جرم‌انگاری و کیفرگذاری تأمین مالی تروریسم مدنظر است (عارفی، ۱۴۰۰، ص ۲۴۷). نظارت مبتنی بر ریسک بر نهاد مالی از حیث رعایت مقررات مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست؛ زیرا در حوزه تقنین، مبانی قانونی لازم پیش‌بینی نشده و در حوزه اجرا نیز علیرغم تلاش‌های صورت گرفته، تدابیر اجرایی کافی به کار گرفته نشده است (قاسمی و ثالث موید، ۱۳۹۹، ص ۲۱۷). واقعیت آن است که کشور ایران به خصوص در بعد از انقلاب، خود قربانی تروریسم گسترده بوده و هست و همواره مورد اتهام برخی کشورها در صحنه جهانی است. بر این مبنا، هر نوع حمایت مالی از تروریسم همواره مخالف سیاست‌های حقوقی ایران بوده است و تلاش حقوقدانان جمهوری اسلامی ایران بر جلوگیری از هر نوع عامل گسترش تروریسم از جمله مالی می‌باشد (اسدزاده بنایی و رسایی، ۱۴۰۰، ص ۶۹). با وجود پیشرفت‌های قابل توجه، الگوی ایران همچنان با برخی چالش‌ها مواجه است؛ از جمله ابهام در تعریف تروریسم و مصادیق گروه‌های تروریستی که اجرای مؤثر قانون را دشوار می‌سازد. نبود فهرست رسمی و به‌روزشونده از گروه‌های تروریستی، تفسیر قانون را در سطح قضایی پیچیده می‌کند و ممکن است به تفاوت رویه در محاکم بیانجامد. همچنین، برخی مفاهیم به‌کاررفته در قانون از جمله اقدامات علیه امنیت یا گروه‌های مسلح غیرقانونی ممکن است گستره‌ای فراتر از استانداردهای بین‌المللی ایجاد کنند. در کنار این موارد، ضعف هماهنگی نهادی و چالش‌های مربوط به اجرای تکالیف نظارتی برای مؤسسات مالی و غیرمالی نیز بر کارآمدی الگوی جرم‌انگاری تأثیر می‌گذارد. با

این حال، روند اصلاحات در سال های اخیر نشان می دهد که نظام حقوقی ایران در مسیر تقویت انطباق با معیارهای بین المللی گام برداشته است.

۵. الگوی سیاست جنایی اتحادیه اروپا در مقابله با تأمین مالی تروریسم

شورای اروپا از پیشروترین نهادهای منطقه ای در تدوین استانداردهای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است. کنوانسیون هایی مانند کنوانسیون استراسبورگ ۱۹۹۰ در مورد پولشویی، جست و جو، توقیف و مصادره عواید حاصل از جرم و سپس کنوانسیون ورشو ۲۰۰۵ درباره مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، چارچوبی دقیق، الزام آور و چندبعدی برای دولت های عضو فراهم کرده است (Schumacher, 2012, P. 14).

اتحادیه اروپا طی دو دهه گذشته، با تصویب مجموعه ای از مقررات و دستورالعمل های الزام آور، چارچوبی چندلایه و نسبتاً منسجم برای مقابله با تأمین مالی تروریسم ایجاد کرده است. این چارچوب از منظر جرم شناختی، صرفاً به مجازات رفتارهای مالی مرتبط با تروریسم محدود نمی شود، بلکه بر شناسایی زود هنگام جریان های مالی مشکوک، کاهش فرصت های سوء استفاده از نظام بانکی، کنترل شبکه های مالی پنهان و پیشگیری از تقویت ظرفیت عملیاتی گروه های تروریستی نیز تأکید دارد. نقطه آغاز این ساختار، چارچوب تصمیم JHA/۴۷۵/۲۰۰۲ در مورد مبارزه با تروریسم بود که اعضای اتحادیه را موظف کرد رفتارهای مرتبط با تأمین وجوه، جمع آوری یا در اختیار گذاشتن منابع مالی برای فعالیت های تروریستی را جرم انگاری کنند. این چارچوب در سال ۲۰۰۸ با چارچوب تصمیم JHA/۹۱۹/۲۰۰۸^۱ اصلاح شد تا دامنه رفتارهای مجرمانه گسترش یابد و با استانداردهای بین المللی، به ویژه کنوانسیون ۱۹۹۹ تأمین مالی تروریسم، تطبیق یابد. در این اسناد، تأکید ویژه بر این است که حتی اگر اقدامات تروریستی واقع نشوند، خود تأمین مالی با علم به هدف آن قابل مجازات است.

مبارزه با تروریسم در اروپا از طریق اتخاذ سیاست های کیفری پیشگیرانه و تعرض به حقوق شهروندان موجب کاهش امنیت فردی آنها گردیده است. در وضعیت استثناء، تأمین امنیت از طریق اقدامات پیش دستانه، در عمل، سبب نادیده گرفتن بسیاری از حقوق و آزادیهای اساسی افراد و گروه های اقلیت با جهت گیری خاص علیه مسلمانان در اروپا شده است. (نصیرزاده و محمدعلی پور، ۱۴۰۱، ص ۲۶).

۱. JHA/۹۱۹/۲۰۰۸ یک تصمیم چارچوبی (Framework Decision) در حقوق اتحادیه اروپا است که در حوزه مبارزه با تروریسم تصویب شده است.





یکی از مهم‌ترین تحولات در حقوق اتحادیه اروپا، تصویب «دستورالعمل (EU) 2017/541 درباره مبارزه با تروریسم» است که جایگزین چارچوب تصمیم‌های قبلی شد و سطح بالاتری از هماهنگی را میان کشورهای عضو ایجاد کرد. این دستورالعمل صریحاً تأمین مالی تروریسم را به‌عنوان یک جرم مستقل شناسایی می‌کند و در ماده ۱۱ آن، «ارائه یا جمع‌آوری عمدی وجوه و دارایی‌ها با آگاهی از اینکه برای ارتکاب یا مشارکت در جرم تروریستی استفاده می‌شود»، به‌عنوان رفتار مجرمانه تعریف شده است. این سند علاوه بر رویکرد کیفری، دولت‌ها را ملزم می‌کند تدابیر نظارتی و مسدودسازی دارایی‌ها را نیز تقویت کنند. بدین ترتیب، اتحادیه اروپا از رویکرد سنتی صرفاً کیفری عبور کرده و به سمت مدل ترکیبی کیفری-نظارتی حرکت کرده است.

لایه دوم این الگو، مقررات مربوط به مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم (AML/CFT) است که در قالب «دستورالعمل‌های ششم و هفتم مبارزه با پول‌شویی» و نیز «مقرره EU/۸۴۷/۲۰۱۵ درباره انتقال وجوه» تدوین شده‌اند. این مقررات نهادهای مالی و غیرمالی را ملزم به شناسایی مشتری، نگهداری اطلاعات، گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک و کنترل سخت‌گیرانه انتقالات بین‌المللی می‌کنند. از آنجا که بخش زیادی از تأمین مالی تروریسم از طریق شبکه‌های رسمی بانکی انجام می‌شود، اتحادیه اروپا نقش ویژه‌ای برای واحدهای اطلاعات مالی (FIUs) در تبادل اطلاعات، تحلیل ریسک و هماهنگی بین‌المللی تعریف کرده است. این مجموعه مقررات سبب شده جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم در اتحادیه اروپا نه تنها یک جرم کیفری، بلکه بخشی از یک نظام نظارتی گسترده تلقی شود. بُعد نظارتی و امنیتی الگوی اتحادیه اروپا در مقررات مسدودسازی دارایی‌ها نیز منعکس شده است. مقرراتی مانند «مقرره EC/۲۰۰۱/۲۵۸۰» و «مقرره EC/۲۰۰۲/۸۸۱» اتحادیه را قادر می‌سازد فهرست گروه‌ها و اشخاص مرتبط با تروریسم را منتشر و اموال آن‌ها را فوراً مسدود کند. این مقررات مستقیماً لازم‌الاجرا هستند و برخلاف دستورالعمل‌ها، نیاز به تبدیل به قانون داخلی ندارند؛ همین امر قدرت اتحادیه در واکنش سریع به تهدیدات مالی را افزایش می‌دهد. از منظر جرم‌شناختی، اهمیت این سازوکار در آن است که با تمرکز بر قطع منابع مالی، امکان سازمان‌دهی، جذب نیرو، تجهیز و تداوم فعالیت شبکه‌های تروریستی را محدود می‌کند. افزون بر این، مکانیزم هماهنگی ضدتروریسم و همکاری نزدیک با یوروپل، ظرفیت اتحادیه اروپا را در شناسایی الگوهای خطر، تبادل داده‌های مالی و اجرای هماهنگ تدابیر پیشگیرانه تقویت کرده است. در مجموع، الگوی اتحادیه اروپا را می‌توان ترکیبی از جرم‌انگاری کیفری، نظارت مالی، مسدودسازی دارایی‌ها، تحلیل ریسک و همکاری‌های فرامرزی دانست که ساختاری منسجم و چندبُعدی برای پیشگیری و مقابله با تأمین مالی تروریسم فراهم کرده است.

نتیجه گیری

پدیده تأمین مالی تروریسم در جهان معاصر، به یکی از پیچیده ترین و چالش برانگیزترین موضوعات امنیتی، حقوقی و اقتصادی تبدیل شده است. توسعه ابزارهای نوین مالی، گسترش تراکنش های بدون مرز و شکل گیری شبکه های غیرشفاف اقتصادی، زمینه را برای سوءاستفاده گروه های تروریستی فراهم کرده و مقابله با این جریان را به امری چندبعدی و فراتر از توان صرف نظام کیفری تبدیل کرده است. در چنین فضایی، نظام های حقوقی مختلف تلاش کرده اند با اتخاذ رویکردهای مبتنی بر پیشگیری، نظارت و همکاری بین المللی، چارچوبی کارآمد برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم تدوین کنند. بررسی تطبیقی الگوهای جرم انگاری تأمین مالی تروریسم در حقوق اتحادیه اروپا و قوانین کیفری ایران در مواجهه با چالش های امنیتی و اجتماعی نشان می دهد که مواجهه مؤثر با این پدیده مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و هماهنگ در سیاست جنایی است. همچنین، این مقاله با بررسی تطبیقی الگوهای جرم انگاری در اتحادیه اروپا و حقوق کیفری ایران، نشان داد که هر دو نظام حقوقی، ضمن پذیرش ضرورت برخورد با تأمین مالی تروریسم، الگوهای متفاوتی در تنظیم مقررات، ساختارهای اجرایی و میزان هماهنگی با استانداردهای جهانی اتخاذ کرده اند. بررسی مقررات اتحادیه اروپا نشان داد که این نظام حقوقی با اتخاذ یک چارچوب چندسطحی و یکپارچه، توانسته است پیوند مؤثری میان جرم انگاری کیفری، نظارت مالی، کنترل جریان های پولی و سازوکارهای مسدودسازی دارایی ها ایجاد کند. دستورالعمل ۵۴۱/۲۰۱۷ EU/ به عنوان سند کیفری اصلی، رفتارهای مرتبط با تأمین مالی تروریسم را با شفافیت بالا جرم انگاری کرده و عناصر مادی و معنوی جرم را به گونه ای تنظیم نموده که کمترین خلأ تفسیری برای دادگاه ها باقی بماند. در کنار این دستورالعمل، مقررات سخت گیرانه AML/CFT در قالب چندین نسل از دستورالعمل های مبارزه با پول شویی، نظامی نظارتی و ریسک محور ایجاد کرده که نهادهای مالی را به شناسایی و گزارش دهی دقیق معاملات مشکوک ملزم می سازد.

این هم پوشانی میان رویکرد کیفری و نظارتی باعث شده اتحادیه اروپا بتواند با سرعت و کارآمدی بیشتری جریان های مالی مرتبط با تروریسم را شناسایی و مسدود کند. افزون بر این، مقررات مسدودسازی دارایی ها مانند Regulation 2580/2001 و ۲۰۰۲/۸۸۱ به اتحادیه این امکان را می دهند که بدون نیاز به تصویب قوانین داخلی توسط کشورهای عضو، فهرست های تحریمی و انسداد فوری دارایی ها را اعمال نماید. هم افزایی میان ابزارهای حقوقی، نظارتی و امنیتی در اتحادیه اروپا سبب شده این منطقه به الگویی منحصربه فرد در مدیریت تهدیدات مالی ناشی از تروریسم تبدیل شود. در مقابل، حقوق کیفری ایران طی سال های اخیر، با تصویب «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» و اصلاحات بعدی، گام مهمی در جهت





جرم‌انگاری این پدیده برداشته است. قانون ایران نیز مانند اتحادیه اروپا بر گستره وسیعی از اعمال مرتبط با تأمین مالی تروریسم تأکید می‌کند و رفتارهایی همچون جمع‌آوری، تأمین، انتقال یا تجهیز منابع مالی با قصد ارتکاب اعمال تروریستی را جرم می‌داند. همچنین، قانون‌گذار ایرانی عنصر عمد و علم مرتکب را شرط لازم برای تحقق جرم دانسته که این امر با استانداردهای بین‌المللی نیز سازگار است. با این حال، در مقایسه با اتحادیه اروپا، چارچوب ایران از لحاظ هماهنگی نهادی، شفافیت مفاهیم و جامعیت ابزارهای نظارتی هنوز با چالش‌هایی روبه‌روست.

نبود فهرست رسمی و به‌روزشونده از گروه‌های تروریستی، یکی از مهم‌ترین کاستی‌هایی است که اجرای قانون را برای قوه قضائیه و نهادهای امنیتی دشوار می‌کند و مانع از وحدت رویه در تشخیص موضوع می‌شود. افزون بر این، برخی مفاهیم به‌کاررفته در قانون ایران، مانند «اقدامات علیه امنیت» یا «گروه‌های مسلح غیرقانونی»، می‌توانند تفسیر موسّع و غیرهمخوان با استانداردهای بین‌المللی ایجاد کرده و کارآمدی قانون را کاهش دهند. همچنین، ساختار نظارتی ایران در حوزه AML/CFT هنوز در مرحله تثبیت قرار دارد و همکاری میان نهادهای مالی، واحد اطلاعات مالی و دستگاه قضایی نیازمند ارتقاء بیشتری است. یکی از تفاوت‌های مهم میان اتحادیه اروپا و ایران، سطح هماهنگی با استانداردهای FATF است. اتحادیه اروپا نه تنها توصیه‌های این نهاد را به‌طور جامع، در مقررات داخلی خود پیاده کرده، بلکه بسیاری از الزامات FATF را توسعه داده و حتی جلوتر از استانداردهای جهانی حرکت کرده است. در مقابل، ایران اگرچه در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای انطباق با توصیه‌ها انجام داده، اما ساختار نظارتی و الزام‌آوری مقررات هنوز فاصله‌ای قابل‌توجه با مدل اتحادیه اروپا دارد. این شکاف در حوزه‌های کلیدی مانند شناسایی مشتری، گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک، شفافیت مالی و کنترل مؤسسات غیرمالی مشهود است. با وجود این تفاوت‌ها، باید توجه داشت که چارچوب حقوقی ایران ظرفیت بالایی برای بهبود دارد و زیرساخت قانونی اولیه آن، به‌ویژه قانون ۱۳۹۴ و مقررات مرتبط با پول‌شویی، زمینه مناسبی برای همگامی با استانداردهای جهانی فراهم می‌کند. تقویت همکاری میان نهادهای قضایی، نظارتی و مالی، تدوین فهرست‌های شفاف از گروه‌های تروریستی، افزایش شفافیت تعاریف قانونی، توسعه سامانه‌های تحلیلی و تقویت نقش واحد اطلاعات مالی می‌تواند نظام ایران را به مدل جامع‌تر و کارآمدتری نزدیک کند. در مجموع، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا الگوی پیشرفته‌تری مبتنی بر هم‌پوشانی ابزارهای کیفری، نظارتی، مالی و امنیتی ایجاد کرده؛ درحالی‌که ایران رویکردی در حال رشد و مبتنی بر تقویت تدریجی سازوکارهای قانونی و نظارتی دارد. تجربه اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که مبارزه با تأمین مالی تروریسم تنها با جرم‌انگاری کیفری

محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند شبکه‌ای هماهنگ از قوانین، نظارت، فناوری، همکاری‌های فراملی و انسداد فوری دارایی‌ها است. به‌کارگیری این درس‌ها در حقوق ایران می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای امنیت مالی، افزایش اعتبار بین‌المللی و کارآمدسازی سیاست جنایی کشور باشد.



پیشنهادهای

۱. تدوین و انتشار فهرست رسمی و به‌روزشونده از گروه‌ها و اشخاص تروریستی توسط نهادهای امنیتی، قضایی و انتظامی.
۲. تقویت نقش و استقلال واحد اطلاعات مالی (FIU) و توسعه سامانه‌های هوشمند تحلیل داده.
۳. بازنگری و شفاف‌سازی مفاهیم قانونی به‌کاررفته در قوانین مرتبط برای کاهش ابهام در تفسیر.
۴. توسعه آموزش‌های تخصصی و همکاری‌های بین‌المللی.

منابع

- آیدین مهر، مهدی، و محمدزاده، امیررضا. (۱۴۰۴). ارتباط پولشویی با جرائم سازمان‌یافته و تأمین مالی تروریسم. *فقه و حقوق نوین*، ۱۴ (۲۴)، ۱-۲۵.
- https://www.jaml.ir/article_726426.html
- اردبیلی، محمدعلی، و میرفلاح نصیری، ندا. (۱۳۹۶). اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن قاعده در ایران «استرداد یا محاکمه». *حقوقی دادگستری*، ۸۱ (۹۸)، ۷-۳۵.
- https://www.zlj.ir/article_26773.html
- اسدزاده بنابی، حسین، و رسایی، محمد. (۱۴۰۰). تحلیل جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم در حقوق ایران. *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۷ (۴۸)، ۶۹-۱۰۰.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/jlap/Article/799457>
- الهویی نظری، حمید، و فامیل زوار جلالی، امیر. (۱۳۹۶). مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین‌کننده مالی تروریسم. *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۷ (۳)، ۷۲۵-۷۴۶.
- https://jpls.ut.ac.ir/article_63757.html
- حیدری، مسعود. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی جرم پولشویی در فقه، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۵ (۳)، ۶۵-۹۰.
- https://csi.w.qom.ac.ir/article_1350.html
- چاووشی، محمدصادق، و کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۷). چالش‌ها و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم. *علوم سیاسی*، ۱۴ (۴۲)، ۱۰۵-۱۲۳.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/psq/Article/1102046?culture=fa>
- رشیدی، بی‌گرد. (۱۴۰۳). چالش ارزش‌های مجازی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم با تأکید بر اقدامات و توصیه‌های کارگروه ویژه اقدام مالی. *کنفرانس بین‌المللی حقوق، روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری*.
- <https://civilica.com/doc/2204347/>
- سلطانی، فخرالدین. (۱۳۹۹). گروه ویژه اقدام مالی: پیشگیری از پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم. *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۱۱ (۴۲)، ۹۷-۱۱۸.
- http://interpol.jrl.police.ir/article_94530.html
- شمس ناتری، محمدابراهیم، و اسلامی، داود. (۱۳۹۴). ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲ (۴ و ۵)، ۲۵۷-۲۸۶.
- https://jqclds.ut.ac.ir/article_59074.html
- عارفی، مرتضی. (۱۴۰۰). درآمدی بر جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم: ماهیت و شیوه‌های ارتکاب. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۸ (۲۱)، ۲۴۷-۲۷۴.
- https://cld.razavi.ac.ir/article_1489.html
- عبداللهی، محسن. (۱۳۸۸). تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. *موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش*.
- کارگری، نوروز. (۱۳۹۱). *دروندمایه‌های تروریسم*. نشر میزان.
- کدخدایی، عباسعلی، و فامیل زوار جلالی، امیر. (۱۴۰۴). ارزیابی پابندی دولت‌ها به توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی در مبارزه با تأمین مالی تروریسم. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۵ (۱)، ۱-۲۴.





https://jpls.ut.ac.ir/article_93863.html

- قاسمی، ناصر، و ثالث موید، احمد علی (۱۳۹۹). ارتقای اثربخشی و کارآمدی نظام مقابله با تأمین مالی تروریسم با پذیرش راهبرد نظارت مبتنی بر ریسک در بخش نهادهای مالی. *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۷(۱۷)، ۲۱۷-۲۴۰.

https://lawecon.um.ac.ir/article_31163.html

- میدانی، فرید، و زمانی، سید قاسم. (۱۴۰۴). تحلیل مبنای الزام آوری توصیه نامه های گروه ویژه اقدام مالی. *پژوهش های حقوقی*، ۲۴(۶۱)، ۷-۳۰.

https://jlr.sdil.ac.ir/article_193198.html

- میرزا رسول زاده، آیتا. (۱۴۰۴). تحلیل حقوقی نقش شورای امنیت در تحول قواعد الزام آور مقابله با تأمین مالی تروریسم در حقوق بین الملل. *مطالعات حقوقی*، ۴۸(۱۰۱-۱۱۴).

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2286080>

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حبیب زاده، محمد جعفر، و بابایی، محمدعلی. (۱۳۸۳). جرائم مانع (جرائم بازدارنده). *مدرس علوم انسانی*، ۸(۳۷)، ۲۳-۴۸.

<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/50896>

- نصیرزاده، محمد، و محمد علی پور، فریده. (۱۴۰۱). حقوق شهروندی، امنیت شهروندان و مبارزه با تروریسم در اروپا. *تحقیقات سیاسی بین المللی*، ۱۴(۵۲)، ۱۶-۲۵.

<https://sanad.iau.ir/journal/pir/Article/696852?jid=696852>

- وزیری، وحید، و حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۹۹). بررسی جرم شناختی تأمین مالی تروریسم. *پژوهش های سیاسی و بین المللی*، ۱۱(۴۳)، ۱۵۷-۱۷۹.

<https://sanad.iau.ir/Journal/jpir/Article/945030>

- Albanese J, Reichel P. (2014). *Transnational organized crime: an overview from six continents*. London: Sage.

- Amicelle, A. (2008). Etat des lieux de la lutte contre le financement du terrorism: entre critiques et recommandations. *Cultures & Conflicts*, (71), 169-176.

<https://journals.openedition.org/conflits/16773>

- Baker, R. (2005, October 11). *How Dirty Money Thwarts Capitalism's True Course*. Financial Times, Republished by Global Financial Integrity.

- De Koker, L., Jentzsch, N. (2013). Financial inclusion and financial integrity: Aligned incentives? *World development*.

-Kyomugisha, A. (2025) *The Role of Health Economics in Shaping Policy Decisions*, Kampala International University II.

- Naheem M.A. (2019) Anti-money laundering/trade-based money laundering risk assessment strategies—action or re-action focused?, *Journal of Money Laundering Control*.

- Omenma, J. T., Onyango, M. (2020). African Union Counterterrorism Frameworks and Implementation Trends among Member States of the East African Community, *Sage Journals*, 76 (1), 103-119.

<https://ideas.repec.org/a/sae/indqtr/v76y2020i1p103-119.html>

- Pol, R. F. (2020). Anti-money laundering: The world's least effective policy experiment? Together, we can fix it, *Journal Policy Design and Practice*, 3(1), 73-94.

<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/25741292.2020.1725366>

-Schumacher, B. (2012) *The Influence of the Council of Europe on the European Union: Resource Exchange and Domain Restriction as Venues for Inter-Institutional Influence*, The Influence of International Institutions on the EU.

- Vervaele, J. (2013). Economic crimes and money laundering: a new paradigm for the criminal justice system? In B. Unger & D. van der Linde (Eds.), *Research Handbook on Money Laundering Cheltenham: Edward Elgar Publishing*.